



۱۹۱۲

۱۳۸۴/۰۱/۲۴

فعالیت های هسته ای ایران

تهدید های پیش رو

فعالیت های هسته ای، به ویژه تدارک گسترده برای غنی سازی اورانیوم، بدون هماهنگی با آژانس بین المللی انرژی هسته ای، ایران را در یک رویارویی با آژانس بین المللی انرژی هسته ای، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا قرار داده است. در حالی که ایران بر ادامه غنی سازی اورانیوم پا فشاری می کند، آمریکا بر توقف کامل فعالیت های هسته ای ایران تأکید دارد. اتحادیه اروپا، برخلاف آمریکا، فعالیت های هسته ای در چارچوب مقررات ان.پی.تی را حق ایران می داند و از آن دفاع می کند، اما معتقد است که ایران باید غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد و از آن صرف نظر کند. دولت روسیه نیز از موضع اتحادیه اروپا حمایت می کند و اعلام کرده است که اگر ایران شرط های آژانس بین المللی انرژی هسته ای را بپذیرد، نیروگاه بوشهر را در اواسط سال ۱۳۸۵ تکمیل و راه اندازی خواهد کرد و سوخت آن را، در برابر تضمین ایران به برگرداندن زباله هسته ای به روسیه، تأمین خواهد نمود. اما ایران حاضر به پذیرش شروط آژانس بین المللی و یا اتحادیه اروپا نیست. باید بررسی کرد که ادامه این وضعیت کشورمان را به کجا خواهد برد؟

۱. شواهد و قراین حاکی از آن است که اگر ایران و اروپا باهم به توافق نرسند، پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع خواهد شد. دولتهای عضو اتحادیه اروپا، بویژه برخی از اعضای اصلی آن، مانند فرانسه و آلمان مایل نیستند که از سیاستهای آمریکا دنباله‌روی کنند. از سوی دیگر، آنها بارها اعلام کرده‌اند که در مورد دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای، نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم و مخالفت با صلح خاورمیانه، با آمریکا هم موضع هستند، اگر چه روش‌های آنان در برخورد با ایران متفاوت است. اتحادیه اروپا ترجیح می‌دهد که مسئله از طریق مذاکره با ایران حل و فصل شود. اما اگر ایران به توافق و تفاهم با اروپا دست نیابد و پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع گردد، احتمال تصویب قطعنامه‌ای بر ضد ایران بسیار بالا خواهد بود. در آن صورت، چه پیامدهائی برای ایران خواهد داشت؟ مقامات دولت آمریکا بارها اعلام کرده‌اند که در تقابل با ایران سه راهکار اساسی شامل دیپلماسی- سیاسی، اقتصادی و نظامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. راهکار اول یعنی دیپلماسی- سیاسی مجموعه فعالیت‌های کنونی آمریکا علیه ایران را شامل می‌شود. اگر این راهکارها نتیجه ندهد و ایران و اتحادیه اروپا به توافق نرسند و پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع گردد، با توجه به قدرت و نفوذ آمریکا در شورای امنیت، قطعنامه‌ای که تامین‌کننده نظرات آمریکا باشد به تصویب خواهد رسید. این قطعنامه وسیله اجرای راهکار دوم سیاست آمریکا، یعنی وارد کردن فشار اقتصادی با تحریم صدور نفت از ایران و ورود کالا به ایران فراهم خواهد کرد. همچنین در چارچوب اجرای قطعنامه احتمالی شورای امنیت سازمان ملل متحد، راهکار سوم، یعنی اجرای عملیات نظامی محدود، به کار گرفته خواهد شد. این عملیات نه از نوعی که در افغانستان یا عراق شاهدش بودیم، بلکه با تنوع و گستره محدود خواهد بود.

اما اجرای مفاد قطعنامه احتمالی علیه ایران پیامدهایی فراتر از فشارهای اقتصادی نیز برای کشورمان خواهد داشت. برخی از مقامات ایران وضعیت کره شمالی را که عضو ان.پی.تی نیست و به رغم فشار آمریکا بمب هسته‌ای ساخته و واکنش آمریکا و جامعه جهانی در برابر آن چندان شدید نبوده است مثال می‌زنند. ولی باید توجه داشت که اولاً سیاست‌ها و برنامه‌های کره شمالی بدترین فشار اقتصادی را بر مردم آن کشور تحمیل کرده است، به گونه‌ای که همه ساله هزاران کودک کره‌ای به خاطر کمبود غذا و عدم دسترسی به دارو و بهداشت کافی می‌میرند. کشوری با این همه محرومیت‌های اقتصادی چگونه می‌تواند به هنگام بروز خطر، حتی با داشتن سلاح هسته‌ای، از

حیات ملی خود دفاع کند. ثانیاً مقایسه ایران با کره شمالی مصداقی از قیاس مع الفارق است. کره شمالی با مشکلات قومی روبرو نیست. امکان و زمینه‌های مانور و تحریکات سیاسی در کره شمالی برای آمریکا وجود ندارد. علاوه بر این، کره جنوبی، در چارچوب برنامه استراتژیک وحدت دو کره، با تشدید فشار بر کره شمالی مخالف است. ژاپن و چین نیز با کره جنوبی هم نظر و هماهنگ هستند. در حالی که در شرایط کنونی منطقه خاورمیانه و با توجه به موقعیت همسایگان ایران و میزان نفوذ و حضور آمریکا و متحدانش در این کشورها، احتمال بروز تشنجاتی در میان برخی از اقوام، همزمان با اجرای قطعنامه شورای امنیت علیه ایران، نسبتاً زیاد است.

به بیان دیگر، خطر فروپاشی جغرافیایی تمامیت ارضی کشورمان را تهدید می‌کند. مقایسه وضعیت و شرایط ملی و بین‌المللی در این زمان با دوران انقلاب مقایسه نادرستی است. انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در دوران جنگ سرد رخ داد. در آن هنگام، ارتش شوروی در افغانستان حضور داشت و عراق و برخی دیگر از کشورهای عرب همسایه ایران با شوروی هم پیمان بودند. در چنان شرایطی، سیاست راهبردی بلوک غرب حمایت از تمامیت ارضی ایران و مخالفت با هر گونه فروپاشی جغرافیایی بود. اما اینک که جنگ سرد پایان یافته است، نه تنها نگرانی‌های ویژه آن دوران وجود ندارد، بلکه احتمال بالکانیزه شدن ایران و دیگر کشورهای همسایه به شدت وجود دارد. بنابراین، خطرات را به هیچ وجه نباید دست کم گرفت.

۲- برخی از مقامات در ایران اظهار امیدواری کرده‌اند که اگر پرونده فعالیت هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع شود طرح پیشنهادی احتمالاً با وتوی چین و یا روسیه روبرو خواهد شد. برخلاف انتظارات یا اظهارات خوش‌بینانه این مقامات، قطعنامه ای علیه ایران به احتمال قوی با وتوی روسیه، چین یا فرانسه روبرو نخواهد شد. در صورت شکست مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا- که فرانسه یکی از طرف‌های جدی آن است - و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، موضع فرانسه قابل پیش‌بینی است و انتظار وتوی فرانسه بی پایه به نظر می‌رسد. فدراسیون روسیه در حال حاضر در ابعاد اقتصادی و سیاسی در درون و بیرون کشور در سطح بین‌المللی در چنان وضعی قرار دارد که نمی‌تواند، در برابر آمریکا، قطعنامه علیه ایران را وتو کند. رفتار روسیه در مورد اتمام نیروگاه اتمی بوشهر یعنی تعویق‌های پی در پی و سرانجام مشروط کردن اتمام و تحویل آن به توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران و متعهد شدن ایران به بازپس

دادن زباله‌های هسته‌ای، حاکی از آن است که کشوریاد شده در شرایطی نیست که قطعنامه احتمالی را به سود ایران و به رغم آمریکا وتو کند.

احتمال استفاده چین از حق وتو در شورای امنیت به نفع ایران نیز بسیار ضعیف است. مناسبات و روابط اقتصادی بسیار گسترده چین با جهان غرب، بویژه آمریکا، از چنان ابعادی برخوردار است که تصور نمی‌رود آن کشور، به خاطر ایران و در برابر آمریکا از حق وتو استفاده کند. ارزش تجارت خارجی چین با آمریکا چندین برابر ارزش امتیازات احتمالی ایران به چین است.

احتمال این که قطعنامه علیه ایران با وتوی چین، روسیه یا حتی فرانسه روبرو شود، بستگی به متن قطعنامه خواهد داشت. اگر در قطعنامه، بر طبق نظر آمریکا، از ایران خواسته شود که فعالیت‌های هسته‌ای خود را به کلی تعطیل کند، چنین قطعنامه‌ای برخلاف پیمان ان.پی.تی. بوده و موجب تضعیف آن خواهد شد و در این صورت، ممکن است که با وتوی این کشورها روبرو شود. زیرا اتحادیه اروپا، از جمله فرانسه، با الزام ایران به تعطیل کلیه فعالیت‌های هسته‌ای خود موافق نیست و آن را خلاف مقررات ان.پی.تی می‌دانند. بنابراین، ممکن است که دولت آمریکا، برای جلوگیری از وتو کردن قطعنامه توسط فرانسه، چین یا روسیه، به جای تعطیل کامل فعالیت هسته‌ای، به توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم و تعطیل مراکز هسته‌ای، به جز نیروگاه بوشهر و رآکتور پژوهشی - علمی، مطابق نظر اتحادیه اروپا بسنده کند. اما در هر صورت، متن قطعنامه به جمع‌بندی مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا بستگی خواهد داشت.

اما اگر پس از صدور قطعنامه، ایران تصمیم بگیرد که برای جلوگیری از اجرای آن، توقف تمامی فعالیت‌های هسته‌ای یا توقف غنی‌سازی اورانیوم را بپذیرد، اولاً- این پذیرش از موضع ضعف و تحت فشارهای بین‌المللی و بدون گرفتن هیچ گونه امتیازی خواهد بود و به موقعیت ایران در منطقه و جهان به شدت آسیب خواهد خورد، ثانیاً - نه تنها سرمایه‌گذاری عظیمی که انجام گرفته است بدون استفاده خواهد ماند، بلکه آنچه را که ایران می‌تواند در حال حاضر یا در آینده‌ای نه چندان دور در توافق با اروپا به دست آورد از دست خواهد داد.

کشورهای اروپایی، اصولاً تمایلی به پیروی از سیاست‌های آمریکا ندارند، بلکه ترجیح می‌دهند که مستقل از آمریکا، اگرچه در هماهنگی با آن کشور، با ایران به توافق برسند و ابتکار عمل در کشورهای خاورمیانه، بویژه ایران را در دست داشته باشند. اما اگر ایران نتواند با اروپا به توافق

برسد، اروپا چاره‌ای جز همراهی با آمریکا نخواهد داشت. آمریکا هم مایل نیست که پرونده ایران بدون نظر موافق اروپا در شورای امنیت سازمان ملل مطرح شود.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که مسئله فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بویژه غنی‌سازی اورانیوم، چالش و بحران جدیدی را پدید آورده است که تداوم آن مصالح، منافع و امنیت ملی کشورمان را در معرض مخاطرات سهمگینی قرار خواهد داد. بنابراین، براساس آنچه در بالا گفته شد، مواضع و راهکارهای واقع‌بینانه زیر را برای حفظ منافع ملی پیشنهاد می‌کند.

۱- از آنجا که ایران عضو **ان.پی.تی** است و مقررات ایمنی ناظر بر امنیت فعالیت‌های هسته‌ای، یعنی پادمان، را امضاء کرده و **پروتکل الحاقی** رانیز تایید نموده است و (اگر چه هنوز در قوه مقننه به تصویب نرسیده است)، فعالیت هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز حق مسلم ایران است.

۲ - فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز طیف گسترده‌ای از تامین نیازهای پزشکی، کشاورزی و سایر بخش‌های علمی، پژوهشی و کاربردی را شامل می‌شود. در زمینه ادامه و گسترش این گونه فعالیت‌ها کمترین اختلاف نظری در میان فعالان سیاسی و صاحب نظران ایرانی وجود ندارد. اما در مورد تولید انرژی هسته‌ای، مسئله متفاوت و بحث‌انگیز است. ایران صاحب منابع عظیم نفت و گاز طبیعی است و علاوه بر آن، امکان استفاده مطلوب و مقرون به صرفه از انواع دیگر انرژی، مانند انرژی خورشیدی و بادی، را دارد. با توجه به این نکات، آرای کارشناسان در مورد استفاده از انرژی هسته‌ای، با توجه به همه پیچیدگی‌های اقتصادی، فنی و سیاسی آن، متفاوت است. به هر حال، تصمیم‌گیری در این مورد مربوط به ملت ایران است و قدرت‌های خارجی حق ندارند که برای ایران تعیین تکلیف کنند و ایران را از حقوق مشروعش محروم سازند.

۳ - فعالیت‌های هسته‌ای ایران یک پروژه ملی است و همانند هر پروژه ملی تحقیقاتی، تولیدی و عمرانی دیگر باید براساس معیارهای پنجگانه قابلیت اجرا، فنی، مالی، اقتصادی و سیاسی مورد ارزیابی امکان سنجی و بررسی توجیه پذیری توسط کارشناسان و صاحب نظران قرار گیرد و در صورت توجیه پذیری در قالب برنامه‌های پنجساله و بودجه‌های یک ساله دولت پیش‌بینی شود و به تصویب قوه مقننه برسد. از آنجا که تولید انرژی هسته‌ای، بر طبق مفاد **ان.پی.تی**، حق ایران است، دلیلی برای محرمانه نگاه داشتن فعالیت‌های مربوط به آن، به خصوص در سطح ملی و برای مردم خودمان، وجود ندارد. اقدام اخیر رئیس محترم جمهوری در بازدید علنی از مراکز هسته‌ای ایران با

حضور خبرنگاران داخلی و خارجی گامی مثبت در راستای عادی سازی فعالیتهای هسته‌ای محسوب می‌شود.

اما، در فعالیتهای هسته‌ای ایران، اولاً به نظر می‌رسد موازین یاد شده در بالا رعایت نشده است یا در صورت رعایت شدن، مردم عموماً از آن بی‌خبرند. ثانیاً حتی اگر تمامی مطالعات اولیه براساس معیارهای شناخته شده صورت گرفته و تولید انرژی هسته‌ای لازم و توجیه پذیر تشخیص داده شده باشد، رعایت اولویت‌ها در گزینش طرح‌های توسعه ملی ضروری است. به عنوان مثال، ایران یک کشور صادر کننده نفت است، اما به دلیل توسعه نیافتن پالایشگاه‌های فعلی یا ساخت پالایشگاه‌های جدید، هر ساله میلیاردها دلار از درآمد نفتی ایران صرف وارد کردن فراورده‌های نفتی، از جمله بنزین، می‌شود. مقامات مسئول اعلام کرده اند که میزان واردات بنزین به زودی به ۱۰ میلیارد دلار در سال بالغ خواهد رسید. در شرایطی که دست‌اندرکاران ظاهراً تمایل و برنامه مشخصی برای تأمین بنزین مورد نیاز کشور از طریق توسعه پالایشگاه‌ها ندارند، در عوض به سرمایه‌گذاری برای تأسیس پالایشگاه در کشورهای دیگر پرداخته‌اند، در حالی که تأسیس پالایشگاه در ایران علاوه بر رفع نیازهای داخل کشور، اشتغال‌زا نیز خواهد بود. ممکن است استدلال شود که واردات بهای بنزین با صرفه‌تر از تولید داخلی است. با همین استدلال، باید بررسی شود که چه توجیه اقتصادی - مالی برای تولید انرژی هسته‌ای، در برابر انواع دیگر انرژی، برای کشوری مثل ایران وجود دارد؟

۴- تولید انرژی در نیروگاه هسته‌ای به اورانیوم غنی یا تغلیظ شده به عنوان سوخت هسته‌ای وابسته است. غنی‌سازی اورانیوم فرایندی پیچیده است که چه از جهت سرمایه گذاری اولیه و چه به لحاظ هزینه‌های عملیاتی بسیار پرهزینه می‌باشد.

ایران تنها یک نیروگاه هسته‌ای در دست اجرا دارد که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است. آیا توجیه مالی و اقتصادی برای صرف هزینه های بسیار بالا، برای غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای، تنها برای یک نیروگاه وجود دارد؟ حتی اگر مخالفت کشورهای خارجی با غنی‌سازی اورانیوم و احتمال و امکان تولید سلاح‌های هسته‌ای هم وجود نداشته باشد، ایران با اورانیوم غنی شده‌ای که بیش از نیاز نیروگاه هسته‌ای بوشهر خواهد بود چه کار خواهد توانست بکند؟ با توجه به دیدگاه‌ها و نظرات حاکمان کنونی درباره مسایل منطقه و جهان، ایران در کدام بازار جهانی می‌تواند مازاد اورانیوم غنی شده‌اش را به فروش برساند؟

۵ - غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای برای نیروگاه بوشهر می‌تواند کارکرد دوگانه داشته باشد، یعنی می‌تواند برای اهداف صلح‌آمیز و هم برای تولید سلاح‌های هسته‌ای به کار رود.

اگر چه رئیس جمهور ایران و مقامات به طور رسمی اعلام کرده‌اند که قصد تولید سلاح‌های هسته‌ای را ندارند، اما سخنگویان جناح‌های تندرو اعتقادشان را به ضرورت تولید سلاح‌های هسته‌ای به صورت آشکار بیان داشته‌اند. اینگونه اظهارات، همراه با برخی رفتارهای نه چندان شفاف ایران، موجب شده است که آمریکا و اتحادیه اروپا به شدت نسبت به اهداف فعالیت‌های هسته‌ای ایران مشکوک شوند و ایران اعتماد جهانی را از دست بدهد.

نهضت آزادی ایران هر گونه فعالیت برای تولید سلاح‌های هسته‌ای را مغایر با منافع و امنیت ملی کشور دانسته، داشتن سلاح‌های هسته‌ای را موجب پیشگیری از حملات احتمالی به ایران نمی‌داند. به عنوان نمونه ضعف و ناتوانی اعراب در برابر اسرائیل غاصب به علت مجهز بودن اسرائیل به سلاح‌های هسته‌ای نیست. تنها در دوران جنگ سرد بود که مجهز بودن هر دو بلوک شرق و غرب به این سلاح‌ها موجب بازدارندگی از جنگ جهانی گردید. در دوران پس از جنگ سرد، سلاح‌های هسته‌ای اثر بازدارندگی خود را از دست داده‌اند. بنابراین، نهضت آزادی ایران بر این اعتقاد است که ایران به کشورهایی که خواهان برچیده شدن تمامی سلاح‌های کشتار جمعی - اعم از اتمی، شیمیایی و میکروبی - در جهان هستند بپیوندد. وجود سلاح‌های هسته‌ای در تعدادی از کشورها، یعنی آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس، هند، پاکستان و اسرائیل، صلح، امنیت و محیط زیست جهان را به طور پیوسته در معرض خطر قرار داده است. می‌توان و باید کاری کرد که زرادخانه‌های اتمی، در هر جای جهان، برای همیشه برچیده شوند.

نهضت آزادی ایران، با توجه به آنچه در بالا گفته شد و با احساس مسئولیت ملی و به منظور عبور کشور عزیزمان از بحران و چالش کنونی و پیشگیری از حوادث سهمگینی که حیات ملی کشورمان را تهدید می‌کند، در چارچوب منافع و مصالح و امنیت ملی ایران قبول شرایط اتحادیه اروپا و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای را به حاکمان و صاحبان تصمیم قویا توصیه می‌نماید.

نهضت آزادی ایران